

غم که باید داشت؟

آقای هوشنگ فولادی به دادم نرسیده بود و آن استاد فنلاندی کمکم نکرده بود، سرنوشتم جور دیگری رقم می خورد. اگر آن استاد فنلاندی به سراغم نیامده بود و برایم وقت نمی گذاشت، خسته و ناکام به سرزمینم برمی گشتم و الان برای تدریس و تحقیق به دانشگاه هلسنکی فنلاند دعوت نمی شدم!

چه می خواست بگوید؟ می خواست بگوید که مهم ترین صلاحیتی که معلم باید داشته باشد و هیچ زمان و مکانی هم نمی شناسد، حساسیت اخلاقی است؛ به معنای دغدغه دانش آموز را داشتن و به دنبال کامیابی او بودن. شما اگر همه صلاحیت ها را داشته باشید اما این را نداشته باشید، معلمی تان به کار شاگردانتان نمی آید. دغدغه اخلاقی یعنی مرارت، آدم ها را درک کردن و از رنج آن ها کاستن. یکی از معانی اخلاق در عالم آموزش، اشتیاق به رفع دردهای دانش آموزان و مراقبت از آن هاست. اگر به عنوان معلم همه مهارت ها را هم داشته باشیم ولی دغدغه مراقبت از دانش آموزان خود را در سر نپوریده باشیم، معلمی نکرده ایم و از صلاحیت اساسی معلمی بی بهره مانده ایم. در جهان امروز بیش از هر چیز بر روحیه غمخواری معلمی به عنوان یک شاخص تأکید می شود و از آن با عناوین حساسیت اخلاقی یا غمخواری نام برده می شود! ما در بیان اوصاف پیامبر اکرم که درود خدا بر او باد می خوانیم: «هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد، هر آنچه شما را رنج می دهد بر او گران می آید؛ سخت به شما دلبسته است و با مؤمنان رؤف و مهربان است»^۱. گویی معلم هم باید پیامبروار دغدغه شاگردانش را داشته باشد. گاه گاهی از سوی او و کلامی از زبان او تقدیر انسانی را دگرگون می کند. در این شماره به حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و آموزش از منظر اخلاق پرداخته ایم. بحث در زمینه اخلاق فراوان است. شاید وقتی دیگر و در مجالی فراخ تر، باز هم در این باره بنویسیم و بشنویم.

* پی نوشت

1. Gholami, k., & Tirri, k.(2012). Caring teaching as a moral practice: An exploratory study on perceived dimensions of caring teaching. Education Research International, 2012.
۲. لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.

قرار بود درباره صلاحیت های حرفه ای معلمی صحبت کند. استاد یکی از دانشگاه های ایران بود. خوب... مثل هر مستمع دیگری بحث هایی که در این زمینه شایع است به ذهن من آمد. با خود گفتم، «احتمالا درباره صلاحیت های حرفه ای معلمی در قرن ۲۱ صحبت می کند و یکی از این مهارت ها هم، به احتمال زیاد، صلاحیت های تخصصی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات است.» سخن آغاز کرد. ابتدا گفت: «می خواهم دو حکایت واقعی را برای شما تعریف کنم. نخست، قصه پسرچه ای دبیرستانی است که پدر و مادرش وقتی او سال دوم دبیرستان بود، از هم جدا شدند و او به دنبال این مسئله، دیگر به مدرسه نرفت. پدرش هم چندان اعتنایی به درس خواندن او نداشت. یک هفته بعد، معلم او، آقای هوشنگ فولادی، به خانه آن ها آمد. با پدرش صحبت کرد و گفت که پسرش بیجه با استعدادی است و حیف است به مدرسه نرود. با خود پسرچه هم حرف زد اما نه پدر و نه پسر به صحبت هایش اعتنایی نکردند. دو هفته بعد، باز سرورکله آقای هوشنگ فولادی پیدا شد. آن قدر رفت و آمد، تا پسرک دبیرستانی را قانع کرد که به مدرسه برود.»

گوش هایم را تیز کرده بودم که ببینم این استاد دانشگاه با این قصه چه می خواهد بگوید. بعد گفت: «قصه دیگری برایتان بگویم. دانشجوی دکتری یکی از دانشگاه های فنلاند بود. درسش خوب بود ولی در نوشتن مقاله به زبان انگلیسی مشکل داشت. وقتی اولین مقاله اش را نوشت، استادش با دقت آن را تصحیح کرد و تمام اشتباهات او را متذکر شد ولی او همچنان ناتوان بود و این باعث شده بود احساس درماندگی کند. فکر می کرد که آیا می تواند با آن وضع دوره دکتری را به پایان برساند یا نه. استاد که از این مشکل او آگاهی داشت به او گفت بیا تا به صورت خصوصی به تو آموزش دهم. بعد هم چندین جلسه برایش وقت گذاشت و نوع نگارش او را تصحیح کرد. دیگر از شوق نمی دانست چه کند. مشکلی که نزدیک بود او را از درس و مشق دور کند به مدد استادی دردمند حل شده بود.»

استاد ایرانی این دو قصه را گفت و من مثل کسانی که دارند فیلم هیجان انگیزی می بینند، فکر کردم که چه هیجان انگیز می شود اگر پسرچه و آن دانشجوی دکتری خود او باشند. و او ادامه داد: «بله، من آن پسر و دانشجوی دکتری هستم که اگر